

روایت آفرینش در اساطیر بابل

(انوما انشی و آتواهاسیس)

لاله دست غیب رضا اسکندری



رجہ بندی دیوید: ۲۶۹/۲۱ شماره کتابخانه ملی: ۳۶۳۹۶۹۹

تیار: ۵۰۰ نسخہ

فهرست

۵ مقدمه مولفان

۷ انوما الیش

۶۷ آتراهاسیس

مقدمه مولف

روایات و اساطیر آفرینش، داستان‌هایی هستند که از خلال نشانگانی محلی، کلیاتی را پیرامون مبدا پیدایی جهان و اقوام گوناگون بیان می‌کنند. این داستان‌ها عمدتاً به شکل شفاهی و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته‌اند و پس از مدتی به رسم راه خود را به متون مقدس ادیان بزرگ نیز پیدا کرده‌اند. این روایات ویژگیه از آن رو اهمیت می‌یابند که الگوهای بی‌شماری را از ضوابط زندگی و رفتار می‌توان از آنها استخراج کرد. تا نام‌های قومی و ارزش‌های اساسی، تبیین و تعیین می‌شوند. این روایات، به دلیل انتقال شفاهی و حضور بعضاً پیشاتاریخی خود، دارای قرایندها و نشانه‌های مختلف هستند؛ اما تکرار نشانه‌ها و خطوط مشخص در این روایات، در بیشتر آنان می‌توان مشاهده کرد. خطوطی که بین‌الته‌رین و کهن‌ترین ادیان ابراهیمی پیوند می‌زند و مشابهت‌هایی را میان آنها نشان می‌دهد. جهان چندین هزار خدایی آسیای دور به ذهن متبادر می‌سازد.

اساطیر و روایات مرتبط با آفرینش، ارزش‌های روایی و اساطیری خود، تأثیری به‌سزا در ادراک آدمی از جایگاه خود در گستره‌ی هستی ایفا می‌کند. کیفیت فرآیند آفرینش، علاوه بر آن که رابطه‌ی آدمی را با طبیعت و توان خلاقه‌ی آن تعیین می‌کند، توجیه‌کننده‌ی نسبت انسان به اقوام و گروه‌های انسانی از مفهوم خود و دیگری است. اهمیت این روایات بدان‌ها این است که برخی از تحلیل‌گران، بسیاری از منازعات و پیش‌فرض‌های سیاسی و نظامی جهان را با پنداشته‌های دینی - اساطیری آنان از آفرینش جهان و اقوام مرتبط می‌دانند؛ خواه ذهن اسطوره‌پرداز در لحظه‌ای تاریخی به برابر دانستن خدایان اسپانیایی و خدایان حکم کند و خواه روایتی از آفرینش، بنیان‌های ایدئولوژیک و توجیه‌کننده‌ی نزاعی چند ده‌ساله در خاورمیانه را پی‌ریزد.

در چنین زمینه‌ای، بررسی تطبیقی و رمزگشایی از نشانگان روایات آفرینش علاوه بر گشایش راه به اذهان مردمانی کهن، زدودن هاله‌ی تقدس را از چهره‌ی این روایات ممکن می‌سازد؛ و نیز با ترسیم خطوط تطوری اساطیر

و روایات، امکان مقایسه را در محورهای زمان و مکان فراهم می‌سازد. بدین ترتیب، می‌توان تفاوت‌های شناختی انسان اسطوره‌ساز را در برش‌های مختلف زمان و مکان ره‌گیری نمود و پنداشته‌های بنیادی ذهن بین‌النهرینی را، که وانمودهایی از آن را می‌توان در متون مقدس و روایات یهودی-مسیحی نیز یافت، با دقتی بیشتر بازشناخت.

ترجمه پیش رو، برگردانی از دو روایت اصلی آفرینش در تمدن بین‌النهرین کهن است. روایت نخست، انوما الیش یا الواح هفت‌گانه آفرینش است. انوما الیش مجموعه‌ای از افسانه‌های منظوم است که روایت بابلی آفرینش کیهان و انسان را بیان می‌کند. نام این مجموعه از دو واژه‌ی نخستین الواح هفت‌گانه‌ی این مجموعه گرفته شده است. انوما الیش به معنای «هنگامی که در بالا» است. این مجموعه در الواح هفت‌گانه انوما الیش، نزدیک به هزار سطر است که هر لوح در آن یک بخش کامل و مجزا از داستان است. متوسط طول هر لوح یکصد و پنجاه سطر است. برای نسخه‌های آشوری مکشوفه از این روایت، قدیمی نزدیک به هزار و هفتصد سال را تخمین زده‌اند اما احتمالاً خود روایت به ریشه‌های دورتر، سومر و نزدیک به هفت هزار سال پیش باز می‌گردد.

روایت دوم یا اتراسیس (یا اتراسیس) را نیز می‌توان نسخه‌ای کهن از داستان طوفان بزرگ دانست که با تغییراتی اندک در الواح دهم و یازدهم داستان گیلگمش نیز واگویه شده است. کاملاً برین نسخه مکتوب و مکشوف این حماسه‌ی بابلی، قریب به چهارهزار سطر دارد و به روایت تاریخ اساطیری حضور انسان بر زمین و آنچه تا طوفان بزرگ بر سرش می‌پرازد.

در ترجمه این متون، سعی بر آن بوده است تا با سلیقه‌های ترجمه‌های مختلفی از این روایات، حتی‌الامکان خلایای موجود در ترجمه‌های مکشوفه بر طرف شود تا بهترین برگردان ممکن در اختیار خوانندگان و اساتید و محققان قرار گیرد. همچنین در ترجمه متن انوما الیش، به سیاق و سبب این متن فاستر، خلاصه‌ای از هر لوح در آغاز الواح ارائه شده است تا تقالید و شکستگی‌های الواح موجب سردرگمی خوانندگان نباشد.